




ویژه نامه ترور شهید محسن فخری زاده
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مدیرانه

زیر نظر شورای سردبیری - مدیر مسئول: سارا عوادزاده - طراحی: محمدمهدی تورک - آذر ماه ۱۳۹۹

 @Deraye_Management

 @Deraye_Management

 Zil.ink/Deraye

« ما و حفاظت از فخرهای انقلاب
« مدیریت پژوهش و نوآوری
« ضعف رسانه‌ای در شناخت الگوهای جاودان

محمد فخری زاده



ما و حفاظت از فخرهای انقلاب

دکتر محمدمهدی ذوالفقارزاده
عضو هیئت علمی و استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

میان چیست؟ من چقدر انقلاب را، مبانی آن را، اهداف و مسیرش را و آینده پیش روی آن را می شناسم؟! تا چه حد از فخرها و گنج هایی که «خدا» در این مسیر برای استفاده و حرکت ما دران قرار داده است، آگاهی دارم و چقدر با دغدغه حفظ و حراست از حریم این انقلاب، مسیر زندگی ام را جلو آورده ام و مشی علمی ام را بر آن اساس پایه گذاری کرده ام؟! اگر از شهادت این شهید عزیز می سوزیم و می رنجیم، زمین و زمان را لازم نیست متهم کنیم، راه دوری نمی رود که به خود آییم و خود را هم مسئول حفاظت از فخرهای انقلاب بدانیم و بنای زندگی مان را بر آن استوار کنیم. قدم نخست شناخت و معرفت به این انقلاب و ماهیت و مبانی و اهداف و ابزارهای خدایی آن است و قدم های بعد، پا در میدان عمل گذاشتن. بسم الله!

خوشا به حال این شهید عزیز که با علم به اینکه دشمنان پلید، خواهان محو او از روی زمین اند؛ این چنین، جانش را بر کف دست می گیرد و نه تنها از پای نمی نشیند که بر فعالیت ها و جهاد علمی اش می افزاید و امثال سپنדהا و هزاران نوآوری دیگر را پایه گذاری، راهبری و هدایت می کند. باشد که در مسیر حفاظت از فخرهای انقلاب سربلند باشیم.

پی نوشت: در این متن کوتاه مجال پرداختن به همه ابعاد و زوایای این ماجرا نیست، اما در مجموع باید به این نکات مهم که به صورت خلاصه مطرح می شود، به صورت جامع، توجه کامل داشت:

۱. دوران به زن در رو گذشته است!

۲. شکل این ترور، حاکی از حفره های اطلاعاتی و امنیتی است، باید در شناسایی، مجازات و اصلاح آنها اقدام فوری انجام داد.

۳. راه و مرام این شهید بزرگوار، به ویژه در حوزه های علم، فناوری و نوآوری و مدیریت آینده نگر این حوزه را باید با قوت ادامه داد.

۴. نباید با غوطه ور شدن در خوانش های صرفاً مادی و محدود به انتقام، صبر استراتژیک، حفره های امنیتی و مانند آن، دچار غفلت از اراده دشمن در خاموش کردن «نورالله» به عنوان ماهیت اصلی انقلاب شد!

۵. باید با بازبانی نقش های فردی و اجتماعی خود در حفاظت از فخری زاده ها، به مسیر ایشان و فخرهای انقلاب باز گردیم.

۶. باید رویکردی آینده گرا را برای شناسایی مقاطع پیش روی انقلاب و فرایندهای رشد و عبور از آنها را با محوریت «همراهی با برنامه خدا» به طور جد، دنبال کنیم.

ترور ناجوانمردانه دانشمند برجسته دفاعی و هسته ای کشور و مدیر علمی خدوم و خلاق ایران اسلامی مان به دست دشمنان انقلاب، همه آنان را که دل در گرو رشد و پیشرفت این مرز و بوم دارند، به شدت آزرده خاطر ساخت و رنجانید. این آزرده گی و رنج، البته بروزات گوناگونی را در میان افراد و گروهها دامن زد و به شیوه های گوناگون ظهور یافت.

از ابراز تنفر از دشمنی و ددمنشی سنگ دلان گرفته تا لزوم حفظ هوشمندی یا به اصطلاح خویشتن داری در قبال این رفتار وحشیانه و تا تأکید بر انتقام سخت و درس گرفتن از گذشته و... برخی از واکنشها و تحلیل هایی بود و هست که در بین این افراد و گروهها مطرح شد و همچنان می شود.

اما یکی از این واکنشها به بعد حفاظتی ماجرا باز می گردد و نقصها، حفره ها و عیوب این سیستم را به شدت مورد هدف قرار می دهد؛ اینکه چطور یک دانشمند و مدیر علمی برجسته کشور که از مدتها قبل در تیررس دشمن بوده است، به این شکل مورد جنایت آنان قرار می گیرد و به فیض شهادت نائل می شود؟! این نقد به سیستم حفاظتی گاهی شکل های تند و بی محابا نیز به خود گرفته است... فارغ از درستی یا نادرستی این قبیل نقدها و سؤالاتی که در جای خود باید به شکلی دقیق و صحیح بررسی شود و اگر نفوذ و خطایی در این سیستم بوده است با عاملان و خاطیان آن به طور جدی برخورد شود؛ این نوشتار کوتاه قصد دارد از زاویه دیگر به حفاظت از فخری زاده ها و فخرهای انقلاب بپردازد و آن اینکه،

ای کاش، مخاطب این نقدها و سؤالات جدی و از سر دغدغه را، یکبار هم که شده، خودمان قرار دهیم!

به جای اینکه مدام این فرد و آن گروه را متهم کنیم که پس آنها چه می کردند و نمی کردند، یکبار هم این سوال را از خودمان بپرسیم که من چه می کنم؟! به جای اینکه مدام روحیه طلبکاری و توقع خواهی از سیستم را در خود تقویت کنیم، یکبار هم این طلب را از خودمان دنبال کنیم! پیکان نقد و سؤال را از تیم حفاظت دکتر فخری زاده به سوی خودمان هم بیاوریم که به راستی «ما برای حفاظت از فخرهای انقلاب چه کرده ایم»؟! لازم نیست که حتما در تیم حفاظت این شهید یا سیستم اطلاعاتی و امنیتی کشور باشیم تا به این سوال پاسخ دهیم... اگر دل در گرو پیشرفت کشور داریم، باید خود را در قلمرو محافظان این کشور و انقلاب بدانیم...

آیا تا به حال به این سؤال فکر کرده ایم؟ وظیفه من به عنوان یک فرد دانشگاهی، فردی که هزینه بیت المال و عامه مردم کشورم خرج تحصیل من شده است، در این

مدیریت پژوهش و نوآوری

رضا علیپور

دبیر سابق انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه تهران

رویه و ضریب اطمینان بالاتری در سازمان خود ایجاد کنند. بر همین مبنا در یک سازمان نظامی امنیتی ایجاد ساختار مناسب جهت رشد خلاقیت و نوآوری مأموریت بسیار پیچیده‌ای خواهد بود.

۲) یکی از مسائلی که در کشور ما زبازد است قدرت و توان بالای صنایع نظامی، به طور خاص صنایع موشکی است، اما بدون تعارف باید پذیرفت صنایع نظامی جزیره‌ای جدا از سایر صنایع کشور نبوده و نیستند و در پیوستگی کامل با برخی صنایع مادر فعالیت می‌کنند. با فرض اینکه کارخانجات فولادسازی یا صنایع پلاستیک و... در کشور نتوانند محصولاتی با کیفیت مورد نیاز صنایع دفاعی را فراهم کنند، اکوسیستم دفاعی کشور با معضلات بسیار جدی روبرو خواهد شد، کماینکه احتمالاً روبرو بوده و هنوز هم هست! بی‌تردید فضای صلب و بروکراتیزه شده‌ی صنعت در کشور ما کمتر سختی با نوآوری دارند و تازه چند سالی است که با همت معاونت علمی، فضای مفاهمه بین صنایع غول پیکر و با سابقه کشور و اکوسیستم نوآوری در حال شکل‌گیری است. پس این درهم‌تنیدگی با صنایع صلب، احتمالاً سال‌ها خون امثال شهید فخری‌زاده را در شیشه کرده و مانعی جدی در مسیر تلاش‌های علمی او بوده است.

۳) فرهنگ عمومی کشور نیز متأسفانه به سمتی رفته است که اپلائی و تحصیل در خارج از کشور تنها راه موفقیت علمی برشمرده شود. در این شرایط صنعت دفاعی کشور از بخش قابل توجهی از توانمندی جوانان کشور محروم شده است. علاوه بر این رشد فردگرایی در جامعه ایرانی در دوران پسا دفاع مقدس، باعث شده است تا کار جمعی برای اهداف ملی کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شده و منفعت‌گرایی فردی جایگزین تلاش برای منفعت و مصالح ملی شوند، در این شرایط امثال دکتر فخری‌زاده‌ها با مدیریتی کم‌نظیر موفق شدند نسلی از جوانان را تربیت کنند که با ایثار و فداکاری بسیار، امروز موفقیت‌های قابل توجهشان در معرض دید همه مردم است.

چالش‌های این مسیر در کشور تحت تحریم ما چند برابر بیشتر و پیچیده‌تر از کشورهای دیگر است و همین مسئله مدیریت در حوزه نوآوری در صنایع نظامی و بالفعل سازی توانمندی‌های بالقوه داخلی را بسیار دشوار ساخته است. لذا لازم است اهمیت بیشتری به این حوزه داده شود که از این طریق ظرفیت نخبگان هر چه بیشتر شکوفا شوند. بی‌شک مسیر «قوی شدن» جز از این رهگذر نیست.

خبر جنایت دستگاه استکبار و ترور شهید دکتر محسن فخری‌زاده، دانشمند صنعت هسته‌ای و دفاعی کشور باعث شد موج جدیدی از اخبار سپهر سیاسی و رسانه‌ای کشور را در بر بگیرد؛ محکوم کردن اقدام تروریست‌ها وجه مشترک تمام اعلام نظرهاست اما شکاف مابین دو جریان غرب‌گرا و غرب‌ستیز فعال‌تر شده است. آن‌ها که حامی برجام بوده‌اند و نجات کشور از بحران اقتصادی فعلی را در گرو سازش با آمریکا می‌دانند و معتقدند فرصت ایجاد شده در دوران پساترامپ نباید با تشدید تنش از بین برود و در سوی دیگر، سخن از انتقام است، انتقامی که قدرت بازدارندگی کشور را به رخ جریان استکبار کشیده و از جری‌تر شدن آن‌ها جلوگیری کند. بی‌شک سخن در این حوزه بسیار است و بحث مفصل، اما در میانه این همه‌های که بر سر مسائل مختلف، از نحوه پاسخگویی به این جنایت و چند و چون سیاست‌گذاری در مسئله سیاست‌خارجی تا بررسی چالش‌های اطلاعاتی و امنیتی که موجب بروز این ترور شد، توقف و تأمل بر یک سوال ضروری است. «ما دقیقاً چه کسی را از دست داده‌ایم؟» شناخت شهید اولین و بدیهی‌ترین لازمه برای ادامه مسیر علمی ایشان است.

پدر صنعت هسته‌ای ایران، دانشمند هسته‌ای و دفاعی، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، از جمله دست‌اندرکاران ساخت کیت تشخیص ویروس کرونا، از پیشروان پژوهش‌های ساخت واکسن ویروس کرونا و... مشخصاتی هستند که در همین چند دهه ساعت پس از شهادت در وصف شهید دکتر فخری‌زاده گفته شده‌اند. جمع‌بندی یک جمله را به ذهن متبادر می‌کند، «ما یک مدیر توانمند فناوری را از دست داده‌ایم.» مدیری که به سبب اهمیت کارش کمتر نامش را شنیده‌ایم، مدیری که سال‌ها در سایه و به دور از هیاهو فعالیت کرده و به گواه خروجی‌های فناورانه صنایع دفاعی و هسته‌ای کشور موفقیت‌های بسیاری کسب نموده است.

مدیریت فناوری و نوآوری در کشور یکی از حوزه‌هایی است که با چالش‌های بسیار زیادی روبروست، در این مجال بد نیست به بررسی چند نمونه از دهه‌ها چالشی که شهید فخری‌زاده با فائق آمدن بر آن‌ها نام خود را در تاریخ این سرزمین ثبت کرد پردازیم.

۱) یکی از مهم‌ترین چالش‌های رشد نوآوری، ایجاد بستر لازم و ساختار سازمانی پویا برای تشویق نوآوری و بهره‌مندی از ظرفیت نخبگان است. طبیعی است به میزان محرمانه‌تر شدن فعالیت‌ها، افزایش حساسیت و بالاتر رفتن هزینه هر تصمیم غلط در سازمان، مدیران آن محافظه‌کارتر شده و تلاش کنند ساختاری با ثبات

ضعف رسانه‌ای در شناخت الگوهای جاودان

سارا عوادزاده

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده مدیریت

در حین آنکه تب دنبال کردن اخبار افراد دون مایه در جامعه بالا گرفته بود خبر ترور دانشمندی بزرگ و فرزندی از فرزندان برومند انقلاب بار دیگر داغ دلان را تازه کرد.

داغی که دی ماه سال گذشته با شهادت سردار سلیمانی به دل‌های ما روانه شده بود اولین سوالی که به ذهن می‌آید چرا شناخت چنین شخصیت بزرگ و والایی در زمینه علمی و دینی برای جوانان کشور تا پس از ترور ایشان انطور که شایسته و بایسته چنین شخصیت‌هایی است صورت نگرفته بود و در عوض اخبار شخصیت‌هایی که ذره‌ای برای جوانان کشور جز سرگرمی‌های پوچ و گذرا ثمری ندارد انچنان پرورانده میشود که بخشی از زندگی جوانان صرف پرداختن به این شخصیت‌ها می‌شود این ضعف رسانه در به وجود آوردن جو رسانه‌ای برای شناساندن این الگوها موضوعی بس مهم و قابل توجه است.

شهادت دکتر محسن فخری زاده بار دیگر به ما ثابت کرد عزتمندی نزد خدا و جاودانه شدن نام و راه انسان در گرو اخلاص عمل است و شهید فخری زاده چه زیبا با شهادت جاودانه شد به راستی که شهادت هنر مردان خداست مردی که در عرصه علم و اخلاق و دیانت زبانزد عام و خاص بود به برکت خون پاکش رگ غیرت جوانان بار دیگر جوشید و به ما یادآوری کرد که عجز و هراس دشمن از پیشرفت کشور دستاویزی جز سبب حذف فیزیکی یکی از گوهرهای این سرزمین برای او باقی نداشت است و این خفت‌بارترین روش نشان دادن این هراس است.

و این رسالت را بار دیگر به ما گوشزد کرد که در شناخت شخصیت‌های بزرگی چون دکتر محسن فخری زاده بیش از پیش تلاش کنیم و ظرفیت رسانه‌ای بیشتری به کار گیریم تا ایام جوانی خود و فرزندانمان ادامه دهنده راه بزرگانی همچون او باشد.

و بر خلق الله روا باشد که در جواب رسیدن اجل نیمه جان زمزمه کنند:
آمدی؟! وه که چه مشتاق و پریشان بودم

آخرین دل‌نویسه شهید دانشمند، دکتر محسن فخری‌زاده - یک ماه قبل از شهادت

دل‌نویسه به نهادهای جهادگر آسمانی

یک سؤال دارم: چرا شهدا در جوانی سخنانی می‌گویند که عرفا در کهنسالی؟
البته می‌دانیم که این سخنان از عمق حکمت جاری شده از قلب بر زبان نه آنکه سخنانی سطحی
۹۹/۸/۷

یک سوال دارم:

چرا شهدا در جوانی سخنانی می‌گویند که عرفا در کهنسالی؟
البته می‌دانیم که این سخنان از عمق حکمت جاری شده از قلب بر زبان است نه آنکه سخنانی سطحی است.

۹۹/۸/۷